

مناسبات و همزادی هنر با دین و قرآن کریم در سیر تاریخ اسلام

علی حیدر جوینده* - دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت برنامه ریزی فرهنگی - کارشناس کانون قرآن و عترت دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

مقدمه :

شکل متعالی واصل هنر، پدیده ای است که به شدت تعریف گریز و نمی توان آن را در چارچوب عبارات محصور نمود، این تعریف گریزی، ریشه در ذات هنر اصیل و راستین دارد. هنر صرفاً آموزشی نیست و به فرمول در نمی آید، به همین خاطر تعاریفی که از هنر و رشته های گوناگون آن ارائه داده اند برخلاف ارج بسیاری از آنها، تنها به تقریب ذهن ما انسانها کمک می کنند. همچنین هنر استعدادی ذاتی و عطیه ای الهی است که تنها در اختیار برخی از انسانها قرار گرفته و همگان قابلیت بروز و ظهور آن در وجود خویش را ندارند.

به نظرمی رسد بتوانیم از فاصله کمتری به هنر نگاه کنیم، اگر چه ورود به حرم میسر نشود، امکان طوافی فراهم خواهد شد و شناخت ویژگیهای هنر می تواند وجوه تمایز آن را از سایر پدیده ها مشخص نماید و این رهگذر، روزنه هائی از شهود را برای ما بر خواهد گشود و بدین ترتیب به زیارت رمز و راز های این سرپرده ملکوت نایل خواهیم آمد.

خصوصیات ویژگیها و همزادیهای هنر با دین

اولین خصوصیتی که به طور چشمگیری در تمامی رشته های هنری وجود دارد، همراهی هنر با نسیمی از عاطفه است، که هم در لحظه مواجهه مخاطب با اثر، محسوس است و هم خود هنرمند در لحظه ی خلق اثر متاثر از حرکت این جریان عاطفی می باشد. همچنین اثر هنری دارای دوام و تاثیر زیادی است که که ضمن جلب نظر خواص، فهم عوام را نیز به همراه داشته باشد، و هر کس فراخور خویش چیزی از آن یاد بگیرد.

یکی دیگر از ویژگیهای مشترک هنری این است که به لحاظ مفهومی چه عقلی و چه حسی نمی توان معادل صد در صد و لایتغیری - برای هر اثر هنری قائل شد: چند معنایی بودن و ابهامی که به برداشت های متفاوت یک اثر هنری می انجامد، از دیگر ویژگیهای هنر است. مثلاً فرمول شیمی یا فیزیک و ریاضی، در هر شرایطی معادله ای ثابت دارند. فرضاً دودوتا در هر شرایط متضادی که واقع شود، نهایتاً چهارتاست، اما غزلی از مولوی یا حافظ در شرایط مختلف، از خود جلوه هائی متفاوت به نمایش می گذارد. همین ویژگی، شعر حافظ و آثار هنرمندانی در این مرتبه را، پاسخ گوی تمامی انسانها □ با دانش و بینش و فرهنگ متفاوت می نماید و این خلا را پر می نماید. و تشنگی همه بشریت و انسانها را برطرف می سازد.

اگر چه راه ورود پدیده های هنری به حوزه ادراک و احساس ، همین احساس معمول و مشترک بین انسانهاست ، اما قطعاً دریافت کامل و لذت واقعی و درک نهایی یک اثر هنری ، نیاز به حسی برتر در نهاد و فطرت انسان و آدمی دارد. ادراکی که در ناحیه ای ملکوتی در وجود آدمی قرار گرفته ، و همین ویژگی دیگری در این زمینه به شمار می رود تمامی هنرها در نوع اصیل ، انسان را به دریافت ظرفیتهای بیشتر انسانی اش می رسانند و به لطافت و والائی روحش کمک می کنند ، تا نهایتاً به ارتقای وجودی و تعالی هر چه بیشتر هستی اش منجر گردد. هنر ، موجب بازگشت انسان به خود و فطرت انسانی اش می شود و این هدف متعالی هنر را می توان به عنوان ویژگی مشترک دیگری در تمامی رشته های مختلف هنری - تلقی کرد .

همانگی دیگر بین هنر و دین این هست که هنر راستین و اصیل و دین هر دو از جنس نیازهای فطری و روحانی انسان اند و سازگار با فطرت پاک آدمی اند. هنری که حس و طبیعت انسانی را اشباع می کند هنر صنعتی و دنیوی است و هنری که روح و فطرت انسان را سیراب می نماید هنر فطری و قدسی است. دین و هنر راستین نیازهای فطری و روحی را پاسخ می دهد و به همین دلیل هر دو همزاد و همزیست انسانند .

یک بحث دیگر اینکه دین و هنر ، زمان ، مکان ، ملیت ، نژاد و طبقه نمی شناسد ، دلیل فطری بودن آنهاست ، ماقبل و مابعد تاریخ هیچ ملتی را نمی شناسیم که مطلقاً از دین و هنر فی الجمله جدا افتاده باشند و اگر از دین و هنر حقیقی فاصله گرفتند به مصداقهای دروغین آنها گرایش پیدا کرده اند.

مارکسیسم یک دین دروغین است. هنر دروغین است ، شعر و ادبیات غیر قربی و غیر الهی شعر هوس است .

دین هنر را به استخدام خود در آورده و با ابزار هنر ، دین در دل انسان جای می گیرد و ریشه می دواند. در ایران از هزار سال پیش به این سو ، دین در محمل هنر به قلوب مردم راه یافته است و بدین سبب دینداران ، مومنین و مسلمانان و امداران هنر هستند .

بعنوان مثال ، هنر تلاوت قرآن کریم که با آهنگ های زیبا و دلنشینی قرآن را در قلوب آدمی تزریق می نماید(گوش کردن حتی مشرکین بصورت مخفیانه از قرائت رسول اکرم (ص)) و با دستگاههای خاص تلاوت قرآن ، مثل بیات - عجم ، رست ، سه گاه ، نهاوند و بر گیرائی پیام قرآن کریم و دین اسلام می افزایشد . قرائت اذان ، اشعار مذهبی یا اشعار و متن هائی که در گیرائی قصص قرآن کریم (از جمله داستان حضرت یوسف صدیق(ع) ، اصحاب کهف ، اصحاب لوط و ...) همه و همه برای رسائی این دستورات و پیام ها و تجربه های گذشتگان بشری در قرآن کریم و دین عزیزمان ، بکار برده می شوند واز این طیف اند.

یا مثل این شعر که در مورد اثبات پاکدامنی یوسف صدیق (ع) و نگران نبودن او از پاره شدن پیراهنش در قضیه ابراز علاقه زلیخا به وی در مصر(مراجعه به سوره یوسف (ع) در قرآن کریم) که شاعر در یک قالب هنری زیبا می فرماید :

آلوده به تهمت نشود پرده عصمت **یوسف غمی از پیرهن با چاک ندارد .**

یا

می توان رفت به یک چشم پریدن تا مصر **بوی پیراهن اگر قافله سالار شود .**

یا در مورد عزیز بودن آقا امام حسین (ع) برای مردم ایران شاعر ، بسیار زیبا می فرماید:

مدعی گوید که با یک گل نمی گردد بهار **این گل زهراست دنیا را گلستان می کند.**

هنر نیز دین را به استخدام خود در آورده ، ماندگاری ، شیوع و محبوبیت هنر طی قرون ، مرهون مضامین دینی است ، بسیاری از تابلوهای معروف دنیا به اعتبار دین و اخلاق ماندگار شده اند ، در قلوب جای گرفته اند و معروف شده اند ، هنری که با مضمون دین آمیخته است ، با باورهای عمیق که مردم با آن زندگی می کنند گره می خورد و ماندگار می شود. نسبت دیگر دین و هنر این است که دین حکم گذار و تصحیح کننده خط سیر هنر است ، دین به مثابه چهار چوب عمل می کند و هنر موضوع حکم او قرار می گیرد. دین حکم است ، هنر متعلق حکم ، البته ادیبانی مانند اسلام هم حکم الزامی و هم حکم ارزشی دارند و هنر را هدایت می کنند .

از این طریق هنرمند با دمیدن روح قدسی در هنر، بین دین و هنر و ادبیات نوعی آمیختگی ایجاد کرده و همین سبب رشد هنر شده است.

تا وقتی هنرمند به هنر می اندیشد و به آن همچو ابزاری می نگرد که وسیله انجام دادن رسالت اوست، می شکند، می شکوفاند اما اگر حرف و حرفه باشد، آفت می شود. در این کنفرانس فرصتی که برای بنده حقیر در نظر گرفته شده است برآنیم که مناسبات هنر با دین و قرآن کریم در سیر تاریخ اسلام را بررسی نمائیم که خود این موضوع از دو منظر ویژه ای قابل بررسی است.

گفتیم هنر پدیده ای است که نمی تواند کاملاً فرمولی و تجربی باشد و همواره بخش اعظم آن در مهی از ملکوت و ابهامی لذت بخش قرار دارد. هم در تعریف و هم در شناخت استعداد هنری و خلاقیت های هنرمند، با این ابهام و مه مواجه می شویم، و تنها اشراق و کشف و شهود و دریافت های قلبی می تواند چراغی مه شکن فرا دست ما انسانها قرار دهد تا به ملکوت آن سری بزنیم.

وجود مباحث خدانشناسی و معاد در دین و بسیاری مباحث دیگر نیز سر منزلی هستند که تنها با اتکا به مباحث عقلی و استدلالی و حتی فلسفی نمی توان مسیر رسیدن به آن را پیمود و آنی وادی سرشار رمز و راز ملکوتی را جز به کمک نور اشراق و دریافت قلبی نمی توان سپری کرد. همان گونه که برای پرواز در آسمان هنر-چه بعنوان خالق اثر هنری و چه به عنوان مخاطب اهل و صاحب ذوق لازم است بالی از کشف و شهود مارا یاری رساند، به نظر می رسد دریافت مبانی دین هم در بسیاری از افاق ها بدون وجود آینه کشف و شهود و اشراق به تجلی نمی رسد و چهره قدسی خویش را نمی نمایاند. دریافت مبانی و اصول و ریشه دین همچون دریافت هنر، نیازمند حسی برتر و آسمانی، و ادراکی است که با عشق در آمیخته باشد.

تناسب ذاتی دیگری که دین و هنر دارند اشتراک آنها در هدف غایی و نهایی است. دین و هنر هر دو زمینه ساز علو درجات روحی انسانها هستند. هر دو غبار از آینه جان آدمی می زدایند تا فطرت انسانی تجلی بیشتری پیدا کند.

در بررسی تعاملات بین دین و هنر به این نکته می رسیم که هنر به درک شفاف تر و عمیق تر دین کمک می کند. از طرف دیگر، دین ارتقای معنوی هنر را در پی داشته، به ابدیت هنر کمک می کند مثل اشعار زیبا در مدح انبیاء و امامان معصوم (ع) یا آثار هنری خوشنویسی یا نقاشی دینی، مذهبی و معنوی و □ که ابدی شده اند. دین، از ظرافت ها و ظرفیت های هنر، برای ابلاغ تاثیرگذار تر و عمیق تر پیام ها و دستورات خویش بهره می جوید، همه ادیان □ چه آنهایی که مبدا و منشأ آسمانی دارند و چه آنهایی که آسمانی بودن آنها تصریح نشده است از جلوه ها و امکانات متعدد و متنوع هنر بهره گرفته اند. از طرح مباحث نظری تا جزئی ترین دستورات و فرامین و آداب عملی هر دینی، هنر و ظرایف و ظرفیتهای هنری به کار رفته است.

به راستی شالوده کدام آئین مذهبی و دینی، بدون حضور قاطع و پر رنگ هنر پی ریزی شده است؟!

برای ملموس تر شدن بحث، نگاهی دوباره به دین و تاریخ اسلام و آئین آن می نمائیم. اولین جرقه بعثت و اولین کلامی که فرشته ی وحی بر پیامبر اسلام (ص) نازل می کند و نحوه ظهور او بر پیامبر (ص)، تماماً با هنر آمیخته است. کلمه آغازین وحی ((اقرا)) با ایجاد فضای انتظار و کشش هنری نهفته اش، حکایت از ارتباط تنگاتنگ دین اسلام با هنر دارد.

انتخاب نوع معجزه ای که برای پیامبر اسلام (ص) در نظر گرفته شده (قرآن کریم)، انتخابی کاملاً هنرمندانه بوده است. قوم سخن شناس و سخنور و خطابه گر عرب جاهلی را با چیزی جز نوع برتر و زیباتر سخن و کلام، نمی شد مجاب به دین، ایمان، خدا پرستی و توحید کرد. و این هنر الهیاتی است که خداوند برای سعادت بشریت در جان رسول (ص) خویش این حکمت و هنر و علم را عنایت کرد.

قرآن بعنوان معجزه ی پیامبر (ص) و کتاب آسمانی مسلمانان و محور دین اسلام، ذاتاً کتابی هنری است، که در اوج فصاحت و بلاغت ادبی نازل شده است و نخستین نمونه بهره گیری دین از هنر و ابزار و امکانات آن در اوج توانمندی است قرآن، بسیاری از توفیقات، خودش را مدیون همین ارجمندی هنری می داند. چه، کتب آسمانی دیگر، به دلیل بهره مندی کمتر، مورد تقلید و تحریف قرار گرفته اند، اما کسی نتوانسته است با این قصد به ساحت قرآن نزدیک شود.

در کل هنر، نحوه، روش و گزینش پیام و ارائه مطالب را سهل تر می نماید در نتیجه پیام سریعتر به مقصد می رسد و در جان گیرنده ی پیام و یا همان شنونده می نشیند و موفقیت و در صد رسیدن به اهداف را بسیار بالا می برد. شخصیت بزرگ پیامبر اکرم (ص) یکی از این نمونه های الهی است. که ویل دورانت یکی از تاریخ نویسان و صاحب نظران این حوزه می گوید: حضرت محمد (ص) شخصیتی بزرگی بود که در کمتر از نیم قرن توانست مکتب و تئوری اسلامی الهی خودش را جهانی بکند و سیطره ی اسلام را در جهان، بدین صورت گسترش دهد. نحوه ارائه مطالب نیز در قرآن کاملاً هنرمندانه است، برای نمونه، وجود آیات متشابه که در زمینه برداشت های متفاوت از این آیات را بوجود می آورد خود، یک کارکرد کاملاً هنری است.

روایات، احادیث و کتب منسوب به پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام)، همه از قالبی کاملاً هنری و ادبی برخوردارند. نهج البلاغه مولا امیر مومنان علی (ع) علاوه بر ارج محتوایی، و اعتبار والای انتسابش به مولا، کتابی در اوج فصاحت و بلاغت است. و از میراث های گرانبار و جاویدان زبان عربی تا ابدآباد به شمار می رود. نه تنها متون اصلی دینی قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و خودشان در ابعاد مختلف ذهنی و زبانی هنری هستند، بلکه آثاری که بعدها پیرامون این متون اصلی در تفسیر، ترجمه و شرح آنها بوجود آمده نیز در قالب های ماندگار هنری و ادبی ارائه شده اند. برخی از تفاسیر قرآن کریم که از همان قرنهای نخست به جای مانده است، جزء میراث ادبی و هنری ما به شمار می آیند که از آن جمله تفسیر طبری و کشف الاسرار وعده الابرار را می توان نام برد.

ترجمه های منظوم قرآن و نهج البلاغه هم بدون بحث و شک پیرامون میزان موفقیت و یا صواب یا ناصواب بودن آن، عملی است که با هدف بکار گرفتن هنر در خدمت دین انجام می شود. حتی تعزیه، بعنوان رشته ای مستقل در هنر، صرفاً در جهت خدمت در آیین مذهبی و دینی در تاریخ اسلام به وجود آمد. هنر پرده خوانی و شبیه خوانی هم بعنوان اصیل ترین و باشکوه ترین عذاریهها، حتی در دور دست ترین نقاط جهان رواج چشمگیری دارد. و در جهت پایداری و تبلیغ و احیاء دین اسلام ایفای نقش می نمایند.

تذهیب، تشعیر و خوشنویسی، متعالی ترین شکل خویش را در خدمت متون دین قرار داده اند. نمونه های برجسته هنر معماری را هم بیشتر در بناهای مذهبی همچون آرامگاههای ائمه و امامزاده ها و مساجد می توان سراغ گرفت که انسان با وارد شدن در این فضاها احساس آرامش خاص با وجود هنراصیل در کنار معنویت و دین که به چشم سر می بیند، می نماید.

منابع

۱- کتاب سفیر صداقت از پرفسور سید حمید مولانا، کریم فیضی- نشر فرهنگ اسلامی

۲- مجله پژوهشی و مطالعات قرآنی، گلستان قرآن

۳- مجله فرهنگی علمی، ندای آزاد